

به نام خدا

ژئوپلیتیک امنیت انرژی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| ۱..... | چکیده |
| ۱..... | مقدمه |
| ۳..... | گفتار اول - جغرافیای سیاسی انرژی |
| ۶..... | گفتار دوم - خطوط و مسیرهای انتقال انرژی منطقه |
| ۱۲..... | گفتار سوم - ایران و روسیه، رقبای بالقوه |
| ۱۴..... | گفتار چهارم - نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران |
| ۱۶..... | نتیجه گیری |
| ۲۱..... | پی نوشت ها |

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۸۸۶۸

دفتر: مطالعات سیاسی

بهمن ماه ۱۳۸۶



ژئوپلیتیک امنیت انرژی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران

چکیده

تقاضای روزافزون مصرف انرژی به همراه موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، جایگاه کشور را در معادلات انرژی ارتقا داده است. اما با توجه به تحولات جدید منطقه‌ای و پیگیری مسیرهای جدید انتقال انرژی توسط کشورهای منطقه و آمریکا و ماهیت در حال تغییر ژئوپلیتیک انرژی، تداوم تأثیرگذاری و حفظ موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، مستلزم آگاهی از پویایی‌های جاری، درایت سیاسی و تدوین یک استراتژی جامع درخصوص نقش‌آفرینی در حوزه انرژی است.

مقدمه

در مبحث قدرت، موقعیت ژئوپلیتیک مناسب را به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت و جایگاه یک کشور در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی قلمداد می‌کنند. کشوری که از موقعیت ممتاز و ارزش ژئوپلیتیکی بالا برخوردار باشد، علاوه بر اینکه از توان تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است اما در عین حال همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد بود.



در حال حاضر نیز ژئوپلیتیک انرژی فصل نوینی از روابط بین‌المللی را گشوده است که در آن کانون‌های تولید، مصرف و مسیر انتقال انرژی و قدرت‌های منطقه‌ای اثرگذار لحاظ می‌شود. با توجه به رشد روزافزون تقاضای انرژی، کشورهایایی که در کانون‌های تولید یا انتقال انرژی قرار دارند، از قدرت و توان تأثیرگذاری و تصمیم‌گیری بالا در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار هستند.

برخلاف تفکر رایج در قرن بیستم، امنیت امروزه صرفاً بعدی نظامی ندارد، بلکه وجه اقتصادی و انرژی امنیت اهمیت روزافزون یافته و دولت‌هایی که بر مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک انرژی تسلط دارند، نقش مهمی را در معادلات امنیتی نظام بین‌الملل و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ ایفا خواهند کرد. رویدادهای دهه نخست سده بیست‌ویکم در گستره مناسبات انرژی، نمایانگر آن است که در عرصه مناسبات بین‌المللی، بازی ژئوپلیتیک انرژی روندی راهبردی و اهمیتی استراتژیک پیدا می‌کند. اقدام روسیه در قطع لوله‌های گاز اوکراین و پیشنهاد بهای چند برابر قیمت گذشته، نشان می‌دهد که دارندگان منابع انرژی و به‌ویژه گاز از این امکان برخوردارند که هرگاه اراده کنند به تهدید کانون‌های مصرف گاز بپردازند و از دیگر سو زنگ خطر را برای مصرف‌کنندگان جهانی به صدا درآورند.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۱۳۷/۴۹ میلیارد بشکه نفت و ۲۸/۱۳ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی، به‌عنوان دومین دارنده ذخایر نفت جهان (بعد از عربستان سعودی) و دومین کشور دارنده ذخایر گاز جهان و به واسطه نزدیکی مراکز تولید نفت و گاز آن به آب‌های بین‌المللی، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در معادلات انرژی جهان ایفا کند. ایران هم‌اکنون در مرکز ۷۵ درصد منابع انرژی جهان در خلیج فارس و



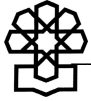
دریای خزر قرار دارد و این موقعیت فوق‌العاده استراتژیک و ژئوپلیتیک می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به یکی از قطب‌های قدرت در جهان تبدیل کند. در واقع قرار گرفتن ایران در این مرکز حساس، امنیت کشورمان را با امنیت منطقه و جهان گره زده است. طبیعی است که بهره‌گیری از این موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ممتاز و ایفای نقش مؤثر در مناسبات انرژی، مستلزم تدوین یک دستور کار مبتنی بر ژئوپلیتیک، درایت سیاسی و آگاهی از پوشش‌های ژئوپلیتیک انرژی است.

گفتار اول - جغرافیای سیاسی انرژی

در دهه‌های اخیر، وابستگی روزافزون واردات انرژی کشورهای مهم مصرف‌کننده جهان نظیر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، هند، ژاپن و دیگر کشورهای درحال صنعتی شدن، روابط انرژی بین کشورها را بیش از پیش سیاسی کرده است. این وضعیت با توجه به روند نامتقارن و رو به افول تولید داخلی نفت و گاز کشورهای مصرف‌کننده، رقابت میان این کشورها را برای دسترسی به انرژی شدیدتر کرده است.

براساس محاسبات آژانس بین‌المللی انرژی موجودی نفت دنیا حدود ۱۳۷۱/۷ میلیارد بشکه است که ۷۴۲/۵ میلیارد بشکه به کشورهای عضو اوپک تعلق دارد. از مجموع تولید فعلی نفت دنیا هم ۴۳ درصد به کشورهای عضو اوپک، ۱۴ درصد به جمهوری‌های سابق شوروی، ۱۲ درصد به آمریکا، ۵ درصد به مکزیک، ۵ درصد به چین و ۲۱ درصد به بقیه کشورهای دنیا اختصاص دارد.^(۱)

طبق برآورد دبیرخانه اوپک، تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۲۵ سالانه به‌طور



متوسط از رشد ۱/۵ درصد برخوردار خواهد بود. طبق این برآوردها تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۵ به ۱۱۳/۱ میلیون بشکه در روز بالغ خواهد شد. طی دوره بیست ساله ۲۰۰۵-۲۰۲۵ متوسط نرخ رشد سالیانه تقاضای گاز طبیعی ۲/۶ درصد خواهد بود که از این نظر گاز دارای بالاترین نرخ رشد در مقایسه با دیگر حامل‌های انرژی است. سهم نفت در تقاضای انرژی جهان با اندکی کاهش از ۳۹/۷ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۳۸/۹ درصد در پایان سال ۲۰۲۵ می‌رسد. اما گاز در مقایسه با دیگر بخش‌های انرژی، سهم بیش‌تری از افزایش تقاضای انرژی جهان را به خود اختصاص خواهد داد. طبق برآوردهای موجود، سهم گاز در مجموعه کل تقاضای انرژی از ۲۳/۷ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۲۸/۳ درصد در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید.^(۲)

برای تأمین این حجم از تقاضای انرژی به‌ویژه در بخش نفت و گاز اهمیت راهبردی منطقه خلیج‌فارس طی بیست سال آینده افزایش خواهد یافت. تقریباً نیمی از ذخایر نفت جهان در قلمرو سه کشور عربستان سعودی (با ۲۶۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده)، ایران (با ۱۳۷/۴۹ میلیارد بشکه) و عراق (با ۱۱۵ میلیارد بشکه) نهفته است. خلیج‌فارس با دارا بودن حدود ۶۱ درصد از ذخایر نفت خام جهان و ۴۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی، منطقه‌ای سرشار از ذخایر نفت و گاز محسوب می‌شود. ذخایر نفتی اثبات شده دریای خزر حدوداً بین ۲۰۳ الی ۲۳۵ میلیارد بشکه برآورد می‌شود که از این میزان قزاقستان با ۳۹/۸۳ میلیارد بشکه بیش‌ترین ذخایر نفت را در این منطقه در اختیار دارد. بعد از آن به ترتیب ترکمنستان ۰/۵۵، آذربایجان ۷، ایران ۱۵، روسیه ۷۹/۵۴ و ازبکستان ۰/۵۹ میلیارد بشکه ذخایر نفت منطقه دریای خزر را در اختیار دارند. مجموع ذخایر اثبات شده و احتمالی گاز نشان‌دهنده آن است که حدود



۲۳۲ تریلیون فوت مکعب گاز اثبات شده و ۳۲۸ تریلیون فوت مکعب گاز احتمالی جهان در این منطقه قرار دارد.^(۳)

اگرچه پیش‌بینی می‌شود تا پایان دهه ۲۰۱۰ تولید نفت روسیه در روندی افزایشی به سطح تولید ۹/۶ میلیون بشکه در روز برسد، ولی در دهه بعد سطح تولید این کشور ثابت خواهد ماند. رشد تولید نفت حوزه دریای خزر نیز مشابه تولید روسیه از افزایش سریعی برخوردار بوده، به طوری که پیش‌بینی می‌شود تولید این منطقه تا سال ۲۰۱۰ از ۱/۷ میلیون بشکه در روز کنونی به ۲/۹ میلیون بشکه در روز بالغ شود. اما این روند در دهه بعد با رشد کندتری ادامه پیدا کرده و تا سال ۲۰۲۵ به ۴/۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد.

وابستگی کشورهای صنعتی به واردات نفت از خلیج فارس از جمله عوامل مهم در جغرافیای سیاسی این منطقه به شمار می‌آید. در سال ۲۰۰۴، ۴۶ درصد صادرات نفت خام جهان از منطقه خلیج فارس بوده است و کشورهای شوروی سابق با ۱۳/۷ درصد در رتبه دوم قرار دارند. در همین سال، اروپا و آمریکا هر یک با ۲۷ درصد بیش‌ترین سهم را در واردات نفت جهان داشته‌اند. پس از آن‌ها، ژاپن با ۱۹/۴ درصد و چین با ۱۱/۳ درصد قرار دارند. همچنین آمریکای شمالی، اروپا و آسیا (بدون چین) طی سال ۲۰۰۳، به ترتیب حدود ۱۸، ۲۵ و ۸۵ درصد کل نفت وارداتی خود را از منطقه خلیج فارس تأمین کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ این نسبت به ترتیب برای آمریکای شمالی، اروپا و آسیا به ۱۸، ۲۸ و ۶۱ درصد تغییر یابد. وابستگی چین به واردات نفت خلیج فارس در سال ۲۰۳۰ به بیش از ۵۳ درصد خواهد رسید. چین در شش ماهه اول سال ۲۰۰۶، عمده نیاز نفتی خود را از کشورهای



عربستان (۱۸ درصد)، آنگولا (۱۴ درصد)، ایران (۱۳ درصد)، روسیه (۱۱ درصد) وارد کرده است. همچنین طبق برآوردها مصرف گاز طبیعی چین طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۳۰ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۶/۸ درصد، بیش‌ترین نرخ رشد را در میان کشورها و مناطق مختلف جهان خواهد داشت.^(۴)

گفتار دوم - خطوط و مسیرهای انتقال انرژی منطقه

۱. باکو - نووروسیسک

این خط لوله ۱۳۴۷ تا ۱۴۸۳ کیلومتر طول دارد و قادر خواهد بود روزانه یک میلیون بشکه نفت آذربایجان را به بندر روسی نووروسیسک در کنار دریای سیاه منتقل کند. این خط لوله به لحاظ وجود خط لوله قدیمی و سهولت احداث آن دارای مزیت بوده و کم‌هزینه است. اما از آنجایی که از مناطق بی‌ثباتی نظیر چچن و داغستان عبور می‌کند، اجرای آن را با مشکل روبرو ساخته است.

۲. خط لوله شمال دریای خزر

این خط لوله ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد و از خاک قزاقستان و روسیه می‌گذرد. هزینه احداث آن ۲/۲ تا ۴/۵ میلیارد دلار خواهد بود و برای عرضه نفت قزاقستان و روسیه به بازارهای دریای سیاه و مدیترانه در نظر گرفته شده است. وجود حکومت‌های محلی داغستان، چچن و تاتارستان و اختلاف نظر در داخل کنسرسیوم بین شرکت‌های روسی و آمریکایی از جمله عوامل به تأخیر افتادن اجرای این خط لوله است.



۳. خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان و پاکستان

این خط لوله که از ترکمنستان، افغانستان و پاکستان خواهد گذشت، می‌تواند گاز ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان را به بازارهای پاکستان و هند برساند، طول خط لوله مذکور حدود ۴۶۴ کیلومتر است که از میدان گاز دولت‌آباد ترکمنستان که بزرگ‌ترین میدان گازی جهان است تا مولتان پاکستان امتداد خواهد داشت. احداث این خط تقریباً منطقی و توجیه‌پذیر است و از طرف کشورهای پاکستان، ترکمنستان و افغانستان مورد حمایت قرار گرفته است تا جایی که پاکستان و ترکمنستان در این زمینه یادداشت تفاهمی نیز امضا کرده‌اند.

۴. خط لوله گاز ترکمنستان - ایران

قرارداد ساخت این خط لوله در جولای ۱۹۹۵ توسط وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران و وزارت صنعت نفت و گاز ترکمنستان در تهران امضا شد. گاز میدان کوریدزه و میدان‌های دیگری که در غرب ترکمنستان واقع شده‌اند خط لوله فوق را تغذیه می‌کنند. خط لوله مذکور گاز مصرفی شمال ایران را تأمین خواهد کرد.

۵. خط لوله باکو - جیهان

طول این خط لوله ۱۷۳۰ تا ۱۹۹۴ کیلومتر پیش‌بینی شده است و ظرفیت آن روزانه ۹۰۰۰۰۰ تا ۱/۲ میلیون بشکه نفت است که نفت آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را به جیحان - بندر ترکیه در کنار دریای مدیترانه - منتقل می‌سازد. این خط لوله از کشورهای آذربایجان، گرجستان و ترکیه عبور می‌کند. آمریکا، ترکیه و آذربایجان از



احداث این خط لوله حمایت کرده‌اند. در صورت راه‌اندازی کامل، این خط لوله میزان وابستگی اروپا به نفت خاورمیانه و خطوط لوله عبوری از خاک روسیه را کاهش می‌دهد. در مارس ۲۰۰۵، قزاقستان و آذربایجان موافقت کردند خط لوله اکتائو - باکو که حوزه‌های نفتی دریایی قزاقستان را در نزدیکی اکتائو به خط لوله باکو - جیهان از طریق گذر از بستر دریا متصل می‌کند در سال ۲۰۰۸ احداث شود. این حوزه‌های نفتی که احتمال می‌رود در سال ۲۰۱۶ روزانه ۱/۲ میلیون بشکه نفت خام از آن استخراج شود نقش مهمی در فعال‌سازی خط لوله باکو - جیهان خواهد داشت.

۶. خط لوله اکتائو - ایران

هزینه احداث این خط لوله که ۱۲۰۰ کیلومتر طول دارد، ۱/۱ میلیارد دلار است و قادر است نفت قزاقستان و ترکمنستان را به بازار خلیج فارس با ظرفیت روزانه ۲۵۰۰۰۰ بشکه منتقل کند. خط لوله مذکور علی‌رغم توافق‌نامه مبادله بین ایران و قزاقستان به دلیل مخالفت‌های آمریکا هنوز عملی نشده است.

۷. خط لوله نابوکو^۱ بین ایران و اتریش

این خط لوله به طول ۱۹۸۰ مایل و با هزینه تخمینی ۵ میلیارد و ۳۸ میلیون دلار از ایران به بندر بام‌گارتن در اتریش امتداد خواهد یافت. برخی از شرکت‌های نفت و گاز اروپا شامل شرکت اتریشی او.ا.م.وی (OMV)، شرکت مجاری ام.او.ال (MOL)، شرکت ترکیه‌ای بوتاش و شرکت رومانیایی ترنس‌گاز با آغاز مطالعات خود جهت انتقال گاز



ایران در این پروژه سهیم هستند. عملیات احداث خط لوله مذکور از سال ۲۰۰۸ آغاز می‌شود و در سال ۲۰۱۰ گاز ایران به کشورهای اروپایی ارسال خواهد شد.

۸. خط لوله انتقال گاز ایران - پاکستان - هند

خط لوله فوق که معروف به خط لوله صلح است با هزینه ۷ میلیارد دلاری و به طول ۲۶۰۰ کیلومتر گاز ایران را از طریق پاکستان به هند عرضه می‌کند. با توجه به رشد ۶/۸ درصدی اقتصاد پاکستان و نرخ رشد ۹/۲ درصدی تولید ناخالص داخلی هند و نیاز مبرم این دو کشور به واردات انرژی از جمله گاز طبیعی، دو کشور علی‌رغم فشارهای ایالات متحده و اختلافات و تنش‌های سرزمینی، عزمی جدی برای احداث خط لوله مذکور دارند.

۹. خط لوله سامسون - جیهان

ترکیه در نظر دارد با احداث خط لوله‌ای از بندر سامسون در کناره دریای سیاه به بندر جیهان در کرانه دریای مدیترانه، گاز و نفت روسیه را از این طریق به سرزمین‌های اشغالی فلسطین منتقل کند. بعد از راه‌اندازی پایانه نفتی حیدرعلی‌اف در بندر جیهان، موضوع اتصال این بندر با خط لوله ایلت - اشکلون در فلسطین اشغالی به‌طور جدی‌تر در مناسبات بین ترکیه و رژیم صهیونیستی مطرح شده است. نفت جمهوری آذربایجان با خط لوله موسوم به باکو-تفلیس - جیهان به پایانه حیدر علی‌اف در جیهان منتقل شده و از این منطقه که در نزدیکی بندر اسکندرون ترکیه در شرق مدیترانه قرار دارد به بازارهای جهانی عرضه می‌شود.



۱۰. تنگه هرمز

تنگه استراتژیک هرمز که جمهوری اسلامی ایران را از شبه‌جزیره عربستان جدا می‌کند، مسیری است که حدود ۹۳ درصد از نفت صادراتی خلیج فارس از این تنگه منتقل می‌شود.

تقریباً ۱۷ میلیون بشکه نفت در روز از طریق این تنگه به شرق (ژاپن، چین و هند) و غرب منتقل می‌شود.

اخیراً با توجه به تحولات منطقه‌ای و همچنین به منظور کاهش توان تأثیرگذاری و موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، مسیرهایی به منظور جایگزین ساختن یا کاهش اهمیت تنگه هرمز پیشنهاد شده است، برخی از این مسیرها یا نیاز به تعمیر دارند یا اینکه در نتیجه مسائل ژئوپلیتیکی، اقتصادی و سیاسی بسته شده‌اند.

الف) عربستان سعودی

- خط لوله غرب - شرق: خط لوله مزبور با ظرفیت انتقال روزانه ۵ میلیون بشکه در روز، ۷۴۵ مایل طول که از ابقیق^۱ به ینبوع^۲ در دریای سرخ کشیده شده است که در حال حاضر نیمی از ظرفیت آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- خط لوله ترنس - عربستان: خط لوله فوق ظرفیت انتقال ۵۰ هزار بشکه در روز را دارد و از قوسیمه^۴ تا سیدون^۵ و لبنان کشیده است و به خاطر دلایل اقتصادی و ناآرامی در لبنان در سال ۱۹۸۴ کنار گذاشته شد. عربستان سعودی به خاطر حمایت

1. Abqaiq
2. Yanbu
3. Trans-Arabian
4. Qaisumah
5. Sidon



اردن از عراق در جریان جنگ دوم خلیج فارس، در سال ۱۹۹۰، قرارداد خود را با اردن فسخ کرد.

ب) عراق

- خط لوله عراق از طریق عربستان سعودی^۱ که به دنبال تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ بسته شد.

- خط لوله استراتژیک: که به وسیله عراق در سال ۱۹۷۵ ساخته شد که شمال این کشور را به جنوب وصل می‌کند و صدور نفت کرکوک در شمال و رمیله در جنوب را فراهم می‌کند.

- خط لوله ترکیه - عراق: به طول ۶۰۰ مایل که از منطقه نفتی کرکوک عراق تا جبهان در ترکیه امتداد دارد ظرفیت قابل استفاده خط لوله مذکور در اوایل ۲۰۰۷، ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز برآورد شده است که نیازمند تعمیرات اساسی است.

- خط لوله لبنان - سوریه - عراق: که منطقه نفتی کرکوک را به بانیاس^۲ در سوریه وصل می‌کند. بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۳، عراق از خط لوله مذکور روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز به منظور انتقال از عراق جنوبی به تصفیه‌خانه‌های سوریه استفاده می‌کرد که بعد از حمله آمریکا به عراق بسته شد.

1. Iraqi pipeline through Saudi Arabia (IPSA)
2. Banias



گفتار سوم - ایران و روسیه، رقبای بالقوه

روسیه با در اختیار داشتن حدود ۲۶/۲ درصد کل ذخایر گاز جهان دارای بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی معادل ۴۷ تریلیون متر مکعب است. تولید گاز طبیعی روسیه در سال ۲۰۰۴، معادل ۵۹۱ میلیارد متر مکعب بوده که در سال ۲۰۰۷ به ۷۴۰ میلیارد متر مکعب افزایش یافت. در حال حاضر، حدود ۳۰ درصد گاز مورد نیاز اروپا توسط روسیه تأمین می‌شود و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰، اروپا به بیش از ۷۰ درصد گاز روسیه وابسته شود. سه مسیر اصلی انتقال گاز روسیه به اروپا عبارتند از: مسیر اوکراین به اروپا که بیش از ۸۰ درصد گاز صادراتی اروپا را منتقل می‌کند، خط لوله یمل^۱ که از بلاروس به آلمان و لهستان می‌رسد و خط لوله بلواستریم که از طریق دریای سیاه، گاز را به ترکیه منتقل می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با در اختیار داشتن ۲۸/۱۳ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی، دارای ۱۵/۶ درصد کل ذخایر گازی جهان است و پس از روسیه در رتبه دوم قرار دارد. از طرفی موقعیت ژئوپلیتیک ایران در مسیر شرق به غرب و شمال به جنوب، گذشته از اینکه می‌تواند به بازار مصرف گاز منطقه اورآسیا و کشورهای اروپایی و آسیایی متصل شود، مسیر انتقال مناسبی جهت طرح‌های جدید خط لوله و صادرات گاز به مصرف‌کنندگان انرژی است. در حال حاضر، شبکه خط لوله ایران از سواحل خلیج فارس تا دریای خزر امتداد دارد.

ایران، گزینه مناسبی جهت تأمین منابع گازی کشورهای قفقاز جنوبی است.

1. Yamal



رئیس‌جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف که با افزایش قیمت گاز به سقف ۱۱۰ دلار بر هر ۱۰۰۰ متر مکعب روسیه مواجه شده است به صراحت اعلام کرده است که ما به دنبال منابع جایگزین گاز، از جمله ایران هستیم. آذربایجان درصدد است برای کاهش وابستگی به گاز روسیه یک میلیارد متر مکعب گاز از ایران خریداری کند. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان، پیشنهادی برای سوآپ گاز ایران در وضعیت اضطراری به گرجستان داده است. در همین رابطه رئیس‌جمهور گرجستان، ساکا شوپلی، نیز در مقاله‌ای در واشنگتن پست در ۹ ژانویه ۲۰۰۶، با اشاره به اقدامات اخیر روسیه در زمینه گاز می‌نویسد:

«پیام روسیه به اتحادیه روشن است و آن استفاده از منابع انرژی به‌عنوان سلاحی برای نفوذ سیاسی است. راه گرجستان مشخص است، ما به دنبال تنوع بخشیدن به منابع انرژی و شبکه‌های انتقال آن هستیم».

با انفجارهای اخیر در خطوط لوله گاز در منطقه مرزی روسیه و گرجستان و سرمای شدید و بی‌سابقه در این منطقه ایران ۲ میلیون متر مکعب گاز از طریق خط لوله آذربایجان به گرجستان تحویل داده است. ایران و ارمنستان در حال حاضر مشغول ساخت پروژه خط لوله ۲۰ اینچی به طول ۱۴۰ کیلومتر و با هزینه ۲۲۰ میلیون دلار هستند که از مرند در ایران به کاجاران در ارمنستان امتداد دارد و در چهار سال اول بهره‌برداری قادر است سالیانه ۱/۱ میلیارد متر مکعب گاز به ارمنستان تحویل دهد و ظرفیت افزایش تا ۲/۳ میلیارد متر مکعب گاز را نیز دارد.

هرچند گزینه ایران نمی‌تواند جایگزین گاز روسیه در ارمنستان شود، اما عرضه این گاز می‌تواند در مواقع اضطراری و قطع احتمالی گاز ترانزیتی روسیه از طریق



گرجستان به ارمنستان به کار آید. همچنین شبکه خط لوله انتقال گاز ایران به آنکارا که در سال ۲۰۰۱ تکمیل شد و سالیانه بیش از ۵ میلیارد متر مکعب گاز ایران را به ترکیه می‌رساند، با مشکلاتی مواجه شده است که در این خصوص امضای موافقت‌نامه‌ای با اوکراین در ژوئیه ۲۰۰۵، با حمل سالیانه بیش از ۳ میلیارد متر مکعب گاز، راه صادرات گاز ایران به اروپا را باز می‌کند و می‌تواند جایگزین مسیر ترانزیتی ایران به ترکیه شود.

گفتار چهارم - نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، ماهیت قدرت در روابط بین‌الملل از نظامی به اقتصادی تغییر یافت و معادلات ژئواستراتژیک جای خود را به مؤلفه‌های ژئواکونومیک داد. هرچند حوادث ۱۱ سپتامبر، تا حدی صبغه نظامی قدرت را در نظام بین‌الملل تقویت کرد، اما با توجه به رشد فزاینده اقتصاد جهانی و وابستگی متقابل روزافزون دولت‌ها به یکدیگر، همچنان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت و امنیت نقش مهمی را در جایگاه دولت‌ها در نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. به همین دلیل، در حال حاضر یکی از اهداف بسیار مهم قدرت‌های بزرگ دستیابی و تسلط بر منابع انرژی است که محرک اصلی چرخ‌های اقتصادی آنان به شمار می‌رود.

از دیدگاه ژئوپلیتیک، قدرت برتر جهان در قرن بیست و یکم، کشور یا کشورهایی هستند که بر کانون‌های تولید انرژی و مسیرهای انتقال آن تسلط دارند. جمهوری اسلامی ایران که در مرکز ۷۵ درصد منابع انرژی جهان در خلیج فارس و دریای خزر



قرار دارد، با بهره‌گیری از موقعیت استراتژیکی و ژئواستراتژیکی ممتاز خود می‌تواند به یکی از قطب‌های مهم قدرت در جهان تبدیل شود. بدیهی است که بهره‌گیری از این موقعیت ممتاز مستلزم درایت سیاسی، توسعه اقتصادی و تدوین یک استراتژی جامع با توجه به پویایی‌ها جاری در امنیت انرژی است. در هم تنیدگی امنیت کشور با امنیت منطقه و جهان، مهم‌ترین پیامد و مزیت سیاسی است که عاید ایران شده است که این امر قدرت مانور آن را در دیگر عرصه‌هایی همچون مسئله انرژی هسته‌ای افزایش داده است. اما تداوم این مستلزم شناخت پویایی‌های جدید در زمینه امنیت انرژی و نقش‌آفرینی مؤثر همراه با درایت سیاسی است. عبور لوله‌های نفت و گاز حوزه دریای خزر از راهی بجز ایران به شدت موقعیت ژئوپلیتیک کشور را به خطر خواهد انداخت و در درازمدت می‌تواند نقش تأثیرگذاری ایران را در معادلات انرژی و اقتصادی منطقه و جهان کاهش دهد. در این شرایط به هم پیوستگی امنیت کشور با امنیت منطقه و جهان تضعیف خواهد شد و در نتیجه آسیب‌پذیری، تأثیرپذیری و نه تأثیرگذاری آن از روند معادلات جهانی تقویت خواهد شد. این در حالی است که عبور لوله‌های نفت و گاز از ایران فرصت‌های ژئوپلیتیک و استراتژیک جدید و حساسی برای ایران فراهم خواهد کرد. زیرا ایران از یک طرف بر تنگه استراتژیک هرمز تسلط دارد که بیش از ۶۰ درصد نفت خلیج فارس از این تنگه عبور می‌کند و از طرف دیگر با عبور لوله‌های نفت و گاز حوزه خزر از ایران، تهران تبدیل به مرکز کنترل انرژی جهان که حیات شرق و غرب به آن وابسته است، خواهد شد و این امر کشور را به یکی از قطب‌های مهم قدرت در جهان تبدیل خواهد کرد.

عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر جمهوری اسلامی ایران به جای مسیرهای



تحت سلطه آمریکا، یک پلورالیسم ژئوپلیتیک به وجود خواهد آورد. در اینصورت است که به دلیل روابط خاص ایران و آمریکا، تسلط کامل ایالات متحده بر عرضه بی‌دغدغه انرژی کاهش خواهد یافت و این وضعیت به نفع طرفداران جهان چندقطبی در قرن بیست و یکم خواهد بود. روابط اتحادیه اروپا و کشورهای جنوب شرق آسیا در همین چارچوب قابل تحلیل است. نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران از سوی شرکت‌های اروپایی و چینی نیز تنها به دلیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک و تعیین‌کننده ایران در روابط بین‌الملل است. تأثیرات امنیتی ژئوپلیتیک عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر ایران، خود را در بهبودی روابط سیاسی، تجاری ایران با اروپا و شرق آسیا، کاهش انرژی ایران، تعدیل فشارهای سیاسی و تجاری آمریکا، افزایش قدرت چانه‌زنی کشور در صحنه روابط بین‌الملل و افزایش نقش جمهوری اسلامی ایران در ترتیبات منطقه‌ای نشان خواهد داد. عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر ایران و ورود به خلیج فارس بر روی تعادل عرضه نفت اثر خواهد گذاشت و در آن صورت ایران توانایی بیش‌تری خواهد داشت تا بر معادلات حاکم بر امنیت عرضه انرژی به غرب و شرق تأثیر بگذارد. همچنین اتصال خط لوله نفت ایران به عراق و گسترش خط لوله عراق به سوریه، اهمیت ژئوپلیتیک ایران را دوچندان خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران به همراه تقاضای روزافزون مصرف انرژی، هرچند جایگاه کشور را در معادلات انرژی ارتقا داده است



اما با توجه به پویایی‌ها و تحولات جدید در منطقه دریای خزر و خلیج فارس، حفظ و تقویت جایگاه ممتاز ژئوپلیتیک مستلزم شناخت این پویایی‌ها و تدوین یک استراتژی جامع و کامل با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است.

در منطقه دریای خزر روسیه در پی نوعی انحصاری در بازار جهانی به‌خصوص صادرات گاز به اروپاست و آمریکا با احداث خط لوله سیاسی باکو - جیهان در پی محروم ساختن ایران از موقعیت ممتاز طبیعی و استراتژیک منطقه‌ای خود است. استفاده از انرژی به‌عنوان اهرم فشار توسط روسیه بر برخی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، فرصتی برای ایران فراهم کرده تا با عرضه و انتقال گاز بتواند به بازارهای مهم مصرف راه یابد، جمهوری اسلامی ایران با توجه به این ضرورت می‌تواند به همراه سیاست اعتمادسازی منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق افزایش ظرفیت خط لوله موجود، شرکت در پروژه‌های جدید گازرسانی و امتداد خطوط لوله موجود به مصرف‌کنندگان جدید نقش مهمی در سیاست‌های گازی منطقه ایفا کند. همچنین با توجه به رویکرد انحصارگرایانه روسیه درخصوص عرضه و انتقال گاز، **استراتژی ایران باید مبتنی بر همکاری و نه رقابت با روسیه باشد.** از این‌رو، مشارکت و همکاری با روسیه در برخی پروژه‌های زیربنایی، ضمن بهره‌گیری از فرصت‌ها و ایجاد روابط استراتژیک پایدار، فضای لازم را برای نقش‌آفرینی ایران در منطقه فراهم می‌کند.

در منطقه خلیج فارس، با توجه به ماهیت در حال تغییر ژئوپلیتیک انرژی و تلاش کشورهای منطقه آمریکا به منظور ایجاد خطوط لوله و مسیرهای جدید انتقال انرژی جمهوری اسلامی ایران در طراحی استراتژی بلندمدت خود باید مؤلفه‌های زیر را در نظر بگیرد:



- جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی لازم در اجرای پروژه‌های توسعه میادین نفت و گاز، طرح‌های خطوط لوله انتقال گاز، تجهیز صنایع و تأسیسات نفت و گاز به تکنولوژی روز. در این راستا ذکر این نکته جالب است که عربستان به‌عنوان چهارمین دارنده ذخایر گاز جهان با اتخاذ استراتژی انرژی جدیدی در جهت دو برابر کردن ظرفیت تولید گاز طبیعی و صدور آن درصدد است به‌عنوان مهم‌ترین عرضه‌کننده گاز جهان مطرح شود.

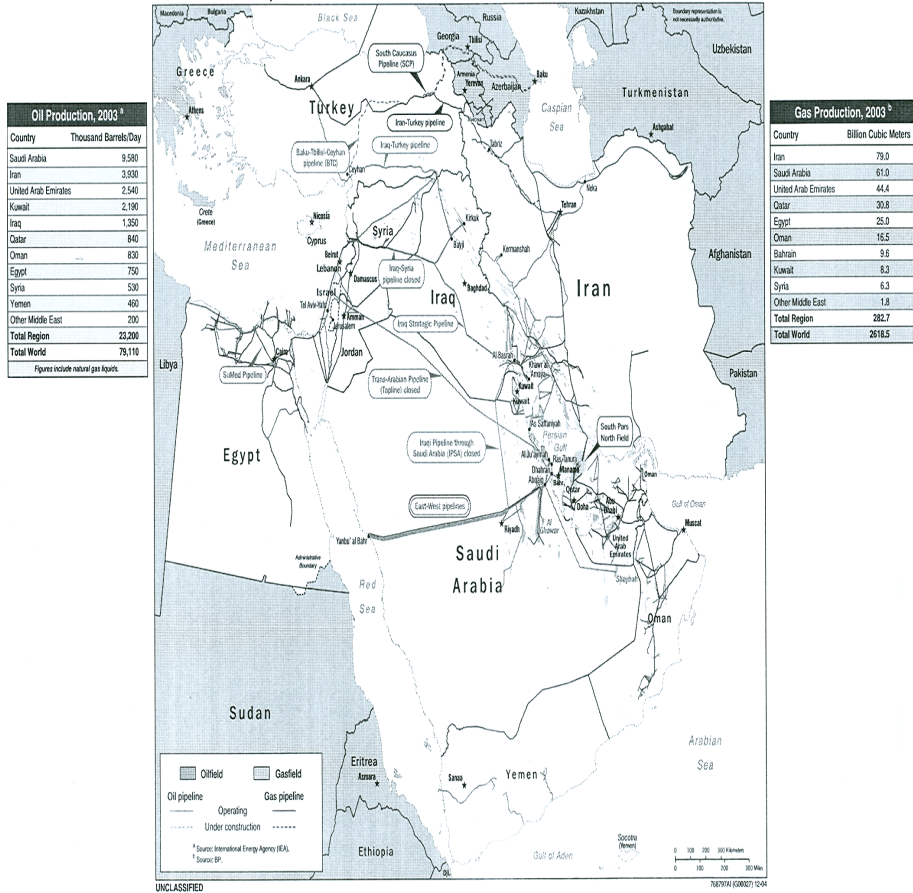
- با توجه به اینکه در شرایط جدید منطقه‌ای، موقعیت جمهوری اسلامی ایران بیش از بقیه کشورهای همجوار خطیر و حساس است؛ در منطقه متحد راهبردی و استراتژیک ندارد و آمریکا راهبرد «همه‌چیز بدون ایران» را در دستور کار دارد، حفظ و بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک مستلزم سیاستی پیچیده و چندبعدی با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است.

پیگیری سیاست اعتمادسازی، اتخاذ سیاست اعلامی غیرچالشی در روند تحولات منطقه‌ای، پیگیری سیاست مذاکره و تفکر حل‌المسائلی در قبال رقبای منطقه‌ای، شناسایی کانون‌های مهم قدرت در منطقه و ایجاد ائتلاف در زمینه‌های موضوعی مختلف، درگیرسازی سرمایه‌های خارجی در منابع داخلی، مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند با توجه به پویایی‌های کنونی منطقه نقش مهمی در ارتقای توان تأثیرگذاری و چانه‌زنی ایران در روند معادلات منطقه‌ای به‌ویژه معادلات انرژی ایفا کنند.



نقشه ٢. خطوط لوله نفت و گاز خاورمیانه

Selected Oil and Gas Pipeline Infrastructure in the Middle East

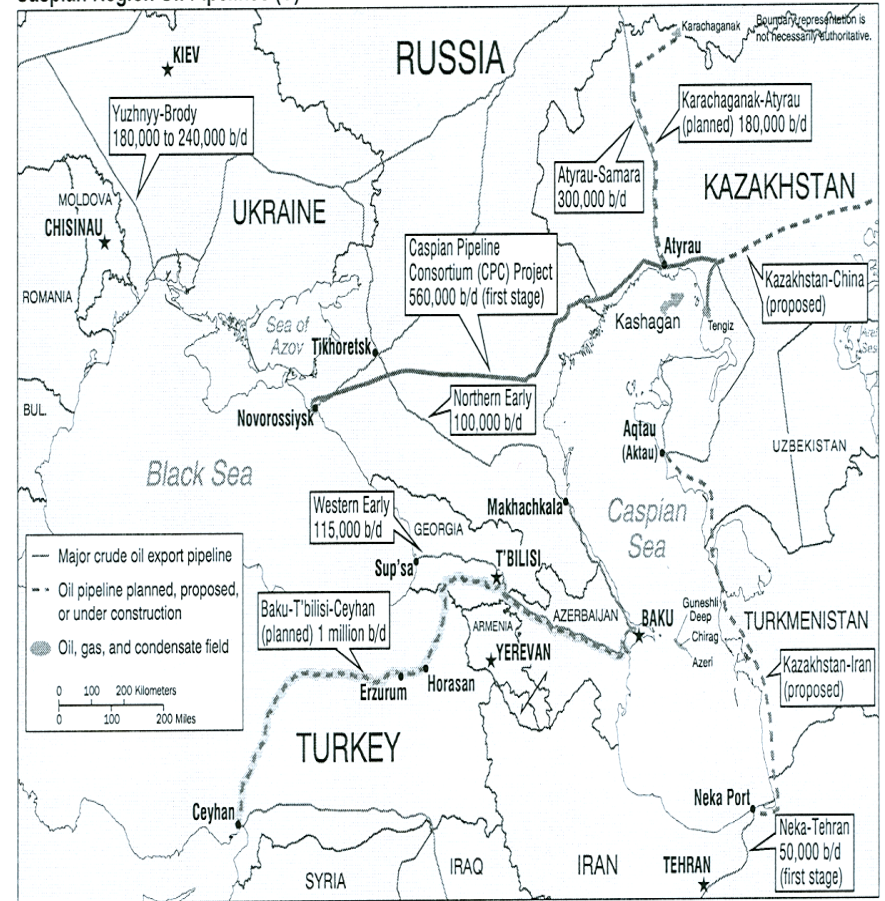


UNCLASSIFIED



نقشه ١. خطوط لوله نفت منطقه خزر

Caspian Region Oil Pipelines (U)



UNCLASSIFIED

759738AI 4-02



۱. قدیر نصری، منابع نفتی خاورمیانه: دشواری‌های تبدیل ثروت به قدرت، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۲.
۲. مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، نشر سایه روشن.
۳. مراد کاویانی‌راد، ژئوپلیتیک انتقال گاز ایران به هند، فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۵، همچنین نگاه کنید به:
<http://www.eia.soe.gov/emeu/cabs/caspian/imayes/caspian-balanec.xls>
۴. ابوالفضل صدقی، تأثیرات ژئوپلیتیک مسیرهای انتقال انرژی حوزه خزر بر امنیت ملی ایران، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۰.
5. Robert Ebel, "The Geopolitics of Energy in to the 21st Century" available at: www.csis.org.
6. www.eia.doe.gov/emeu/international/reserves/html.
7. World oil outlook 2007. www.opec.org/library/world.
8. Steven M. Berkowitz, u.s policy and the geopolitics of Caspian oil exports: pipe dreams and export alternatives at: www.inss.org
9. Amy Myers Jaffe, Energy security: Implication for u.s. china – middle east relations, at: www.bakerinstitute.org.



شماره مسلسل: ۸۸۶۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ژئوپلیتیک امنیت انرژی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران
Report Title: Geopolitics of Energy Security and I.R.Iran's Position

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه دفاعی)

تهیه و تدوین: سیدحسین حسینی، مرتضی نورمحمدی

ناظر علمی: محمدحسین دیده‌گاه

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. ژئوپلیتیک (Geopolitic)

۲. امنیت انرژی (Energy Security)

۳. خط لوله (Pipeline)

منابع و مأخذ تهیه گزارش: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۱۱/۲۷